عطف

باردیگر پرسش‌ها و پاسخ‌های تاریخی

چاپ دوم کتاب «پرسش‌ها و پاسخ‌های تاریخی» که درباره زندگانی معصومین(ع) از امیرالمومنین(ع) تا شهادت امام حسین(ع) است، توسط نشر معارف به چاپ رسید. مهر این خبر را به همراه متنی در معرفی این کتاب منتشر کرده که از این قرار است: گروه پژوهش تاریخ و تمدن اسلامی دانشگاه معارف اسلامی با اهداف اولویت، سودمندی و عمومیت بر آن شدند مهم‌ترین پرسش‌ها و پاسخ‌های تاریخی که در برنامه «پرسمان تاریخی» رادیو معارف عنوان شده و پاسخ‌های علمی و مستند کارشناس محترم برنامه جناب حجت‌الاسلام والمسلمین مهدی پیشوایی را سامان داد و آن را در سه جلد تدوین و تنظیم کرده چاپ کنند.

در این کتاب تمام کوشش و توان صرف شده تا براساس همین اصل، پرسش‌هایی اساسی و در رتبه اول جمع‌آوری شود تا مخاطب به پاسخ بیشترین سوال‌هایش برسد.

بازگشت خانواده تیبو به کتابفروشی‌ها

رمان چهارجلدی خانواده تیبو اثر ماندگار روژه مارتن دوگار که رویدادهای تاریخی فرانسه در سال‌های ابتدایی قرن ۲۰ و سال‌های آغاز جنگ جهانی اول را بررسی می‌کند، به چاپ هفتم رسید. این کتاب را ابوالحسن نجفی ترجمه کرده و ایبنا درباره این کتاب نوشته است: خانواده تیبو زندگی دو نسل از خانواده‌ای اشرافی و فرهیخته را در سال‌های ابتدای جنگ جهانی دوم، توصیف می‌کند. نگارش رمان خانواده تیبو برای روژه مارتن دوگار جایزه نوبل سال ۱۹۳۷ را به ارمغان آورد. مارتن دوگار در جلدهای سوم و چهارم این رمان چهارجلدی، اتفاقات جنگ جهانی را در کشور فرانسه نوشته که ارزش مطالعات فرهنگی و تاریخی این کتاب را دوچندان کرده است.

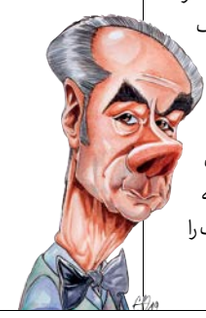

تاریخ و ادبیات شرق برای آلمانی‌ها

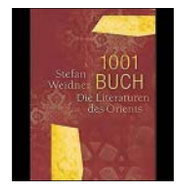

«۱۰۰۱ کتاب» نوشته اشتفان وایدنر با هدف معرفی آثار مهم نویسندگان برجسته کشورهای مختلف مشرق زمین در آلمان منتشر شد. مهر این خبر را به نقل از رایزنی فرهنگی ایران در آلمان منتشر کرده و نوشته در این کتاب به تاثیر آثار نویسندگان شرقی بر ادبیات جهان توجه شده است. ادبیات جهان بدون آثار ابن عربی، حافظ، یونس امره و سایر شاعران و نویسندگان بزرگ مشرق زمین ناقص است. اشتفان وایدنر، اسلام‌شناس، نویسنده و مترجم آلمانی در کتاب «۱۰۰۱ کتاب» از طریق داستان‌ها، تاریخ و اشعار مشرق زمین سعی دارد خوانندگان را با این بخش مهم از ادبیات جهان آشنا کند.

او در این کتاب تلاش کرده با نگاهی متفاوت، ادبیات شرقی را مورد بررسی قرار دهد و در این راستا، حتی نویسندگان کمتر شناخته‌شده را نیز از یاد نبرده است. این کتاب گنجینه‌ای مهم برای همه علاقه‌مندان و کارشناسان ادبیات مشرق زمین محسوب می‌شود.



آیت‌ا... سجادی درباره سید مصطفی خمینی به نکات جالبی اشاره می‌کند مثلا این‌که هوش و استعداد عجیبی داشت

«نکته‌ها و خاطره‌هایی از سیره شهید آیت‌ا... سید مصطفی خمینی» در گفت‌وشنود با آیت‌ا... سیدمحمد سجادی

دیدم ملائک آقامصطفی را تشییع کردند



محمدرضا کائینی
جام جم

راوی خاطراتی که پیش روی شماست، از یاران و مصاحبان نزدیک شهید آیت‌ا... سید مصطفی خمینی است و داستان این مصاحبت و دوستی به کلاس‌های درس فقه امام خمینی(ره) و درس اصول شهید آیت‌ا... سید مصطفی خمینی برمی‌گردد چراکه از نگاه آیت‌ا... سیدمحمد سجادی، این کلاس‌ها فقط به درس و بحث خلاصه نمی‌شد، آنها در سفر و حضر با هم بودند و او خود را مدیون لطف و مهربانی پدرانه و دلسوزانه استادش حاج مصطفی خمینی می‌داند.

ماجرای حضور آیت‌ا... سجادی در کلاس‌های آیت‌ا... سید مصطفی خمینی از زمانی آغاز شد که او تحت تعقیب ساواک بود و به ناچار راهی نجف شده بود. در آن زمان حضرت امام از ترکیه به نجف رفته بودند و شب‌ها در مدرسه علمیه آیت‌ا... بروجردی نماز اقامه می‌کردند و روزها در مسجد شیخ انصاری که به مسجد ترک‌ها شهرت داشت درس می‌دادند. بهره گرفتن از این کلاس‌ها توفیقی بود که از تحت تعقیب قرار گرفتن ساواک برای آیت‌ا... سجادی حاصل شده بود و بعدها آیت‌ا... سجادی عهده‌دار تصحیح و چاپ آثار شهید آیت‌ا... حاج‌آقا مصطفی خمینی شد. او در این گفت و شنود و در چهل و یکمین سالروز شهادت استاد، شمه‌ای از خاطراتش با شهید سید مصطفی خمینی و نیز برادر ارجمندش را بیان کرده است.

ظاهراً حضرت امام خیلی از تدریس فرزندشان راضی بودند. این طور نیست؟

بله، شیوه تدریس حضرت امام با دیگر علمای نجف فرق می‌کرد. مثلاً مرحوم آیت‌ا... العظمی خویی حدود ۲۰ دقیقه درس می‌دادند و در آن فاصله کسی حق اشکال کردن نداشت، در حالی که امام طلاب را تشویق می‌کردند که اشکال کنند و از استاد توضیح بخواهند. حاج‌آقا مصطفی بلند حرف می‌زد و محکم هم اشکال می‌کرد. درس امام با حضور او بسیار جالب‌تر و آموزنده‌تر می‌شد. امام معتقد بود طلابی که به مرتبه درس خارج می‌رسند، قبل از هر نوبت حضور در درس، باید بتوانند مسائل را بررسی اجتهادی و سپس در درس استاد شرکت کنند و نظر خود را به عنوان یک نظر علمی مطرح سازند. حاج‌آقا مصطفی همیشه بسیار متواضعانه، مؤدبانه و با عبارت «التفات بفرمایید» اشکالاتش را مطرح می‌کرد. امام هم با حوصله و دقت زیاد، پاسخ اشکالات وی را می‌دادند. لازم است به این نکته هم اشاره کنم که امام بین حاج‌آقا مصطفی و دیگر طلاب، فرقی قائل نبودند و به همه اشکالات با همان صبر و حوصله و به تفصیل پاسخ می‌دادند.

از جایگاه علمی شهید آیت‌ا... حاج‌آقا مصطفی می‌فرمودید.

به نظر من قدر و پایه علمی ایشان کاملاً ناشناخته باقی مانده است. ایشان به حق یکی از نوابغ و علمای بزرگ شیعه و در تقوا بی‌نظیر بود. ۲۸ جلد آثار وی که مشتمل بر فقه، اصول، فلسفه، عرفان و تفسیر است، خود سند گویایی بر این ادعاست. این آثار بسیار دقیق و علمی و مطالعه آن برای طلاب حوزه‌ها بسیار مفید است. ایشان مدرس بزرگی هم بود. البته در قم هم تدریس می‌کرد و وقتی به نجف رفت، به اصرار دوستان ابتدا در منزل خود تدریس می‌کرد و تعداد شاگردانش زیاد نبودند، ولی بعد که زیادتر شدند، در مسجد شیخ انصاری صبح فقه درس می‌داد و غروب، اصول و مدتی هم تفسیر تدریس می‌کرد. پنج جلد تفسیری که از ایشان چاپ شده، رهاورد آن دوره است. شهید حاج‌آقا مصطفی از تمام لحظات عمرش به تمامی استفاده می‌کرد و حتی یک دقیقه را هم هدر نمی‌داد. بسیار اهل مطالعه و تحقیق و فوق‌العاده ساده‌زیست بود.

مهم‌ترین ویژگی علمی حاج‌آقا مصطفی، استقلال رأی او بود. او حتی از امام هم مستقل بود، البته نه در مبانی. او بهترین مفسر درس اصول امام است و اگر کسی بخواهد مبانی امام در اصول را کامل بفهمد، بهتر است کتاب اصول الفقه حاج‌آقا مصطفی را مطالعه کند. حاج‌آقا مصطفی معتقد بود درس اصول باید پیراسته و اصلاح و اضافات آن حذف شود. ایشان در فقه هم مجموعه ارزشمندی دارد، از جمله کتاب «البیع» که در نجف نوشت و در آن ولایت فقیه به شکلی مستوفی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. متاسفانه در مباحث مربوط به ولایت فقیه، این بخش مورد غفلت قرار گرفته است. ایشان در درس‌هایش از همه علما، به خصوص آیت‌ا... بروجردی نقل قول می‌آورد و از آنان یاد می‌کرد.

از نظر مشی علمی چه تفاوت‌هایی با حضرت امام داشت؟

می‌توانم به این نکته اشاره کنم که تفکر امام بر تتبع ایشان غلبه داشت، ولی حاج‌آقا مصطفی در عین تفکر، بسیار اهل تتبع و جست‌وجو در منابع بود.

در عبادات چگونه بود؟

بسیار قوی و دائم‌الذکر. شب‌ها خیلی نمی‌خوابید. دهه آخر ماه رمضان همراه مرحوم اشکوری برای اعتکاف به مسجد کوفه می‌رفت.

غیر از فعالیت‌های علمی، عمده‌ترین مشغله‌ها و دغدغه‌های حاج‌آقا مصطفی چه بود؟

همانطور که اشاره می‌کنم، مهم‌ترین دغدغه حاج‌آقا مصطفی مراقبت از امام بود. بزرگ‌ترین توفیقی هم که خدا به او داد، خدمت به امام بود و سرانجام هم جان خود را فدای امام کرد. با وجود کوتاهی عمر، اما حیات فوق‌العاده پربرکتی داشت و بسیار موفق بود. در نجف هر تعرض و ضربه‌ای که قرار بود به امام وارد شود، ایشان سپر بلا می‌شد و آن ضربه را به جان می‌خرید! کسانی که می‌خواستند به امام برسند، باید از طریق حاج‌آقا مصطفی می‌رسیدند. از بعضی از آدم‌ها خوشش نمی‌آمد و دلش نمی‌خواست به امام نزدیک شوند.

مثلاً چه کسانی؟

مثلاً قطب‌زاده که حاج‌آقا مصطفی معتقد بود دین و ایمان درستی ندارد. بنی‌صدر را هم آدم خطرناکی می‌دانست. از همان آغاز کار به اینها خوشبین نبود!

چگونه از خبر شهادت ایشان آگاه شدید؟

من دو ماه قبل از شهادتش خواب دیدم جنازه‌اش به شکل عجیبی توسط ملائکه به داخل صحن مطهر حضرت علی(ع) وارد شد، در حالی که قرآنی جلوی جنازه حرکت می‌کرد! هر روز در درس ایشان حاضر می‌شدم، اما جرأت نداشتم این خواب را تعریف کنم.

منزل بنده، نزدیک منزل ایشان بود. یک روز صبح پدرم به من خبر دادند حال حاج‌آقا مصطفی به هم خورده است و او را به بیمارستان برده‌اند! با عجله خودم را به بیمارستان رساندم و آنجا دیدم که ایشان از دنیا رفته است! موضوع مهم این بود که نمی‌دانستیم خبر را چگونه به حضرت امام برسانیم. به هرحال خدمت امام رفتیم و آقای فرقانی در محضر ایشان روضه خواند و امام سه بار دستشان را به زمین زدند و با حالت خاصی فرمودند: «انا لله و انا الیه راجعون». همه ما بیم داشتیم که واکنش امام درباره رحلت فرزندی که عصاره زندگی ایشان بود، چه خواهد بود. اما امام مثل کوه ایستادند و کوچک‌ترین ضعفی نشان ندادند و آن جمله معروف را فرمودند که: «شهادت مصطفی از الطاف خفیه الهی بود!»

شما عهده‌دار تصحیح و چاپ آثار شهید آیت‌ا... حاج‌آقا مصطفی خمینی هستید. آیا در این کار مهم، روح آن بزرگوار هم به شما مدد می‌رساند؟ این سوال را از این جنبه می‌پرسم که قبلا در یک گفت‌وگوی خصوصی، چیزی قریب به این مضمون از شما شنیدم.

بله، روح حاج‌آقا مصطفی بسیار آزاد است! یک بار داشتم روی تفسیر ایشان کار می‌کردم که ناگهان در ذهنم از او گلایه کردم امام که مشغول سیاست هستند، شما هم سری به ما نمی‌زنی! شب آن بزرگوار را خواب دیدم که دستم را گرفت و به نجف و زیارت امیرالمؤمنین(ع) برد و سپس سری به شهدا زدیم. یک بار هم قبل از برگزاری کنگره سالگرد ایشان خواب دیدم که نوری به تابلوی تصویر ایشان خورد و تابلو حرکت کرد! آن کنگره منشأ خیلی خوبی برای چاپ و معرفی آثار ایشان شد. روح ایشان بسیار شاهد و ناظر است. همان‌طور که عرض کردم آثار ایشان فوق‌العاده ارزشمند و دقیق هستند، از جمله کتاب تحریرات اصولی که بیش از ده سال روی آن زحمت کشید و گفتار بزرگانی چون شیخ انصاری، مرحوم نائینی، آخوند خراسانی، آیت‌ا... بروجردی، آقای ضیاءالدین عراقی، امام و... را گردآوری کرد. این استاد بزرگوار به گردن من حق زیادی دارند و احساس وظیفه کردم که نگذارم آثار ارزشمند او فراموش شوند یا از بین بروند. متأسفانه ساواک بخشی از دستنوشته‌های ایشان را برده بود. با عده‌ای از دوستان تصمیم گرفتیم نوشته‌های ایشان را به ایران منتقل کنیم. اول هم از تفسیر قرآن شروع کردیم تا بعد به سراغ اصول‌الفقه برویم. حواشی ایشان بر کتاب‌های فلسفی از جمله اسفار ملاصدرا کم‌نظیر است. من با اجازه شخص امام، تفسیر حاج‌آقا مصطفی را تنظیم و چاپ کردم. روزی که تفسیر را خدمت امام بردند بسیار خوشحال شدند و فرمودند: «قاعدتاً باید کتاب خوبی باشد!»

ویژگی تفسیر ایشان چیست؟

این تفسیر از نظر جامعیت در میان تفاسیر موجود کم‌نظیر است. ایشان در تفسیر هر آیه، در لغت، صرف، رسم‌الخط، کتابت، بیان، معانی، تجوید، اعراب، قرائت، حکمت، فلسفه، کلام، فقه، اصول، عرفان، اخلاق و نصیحت بحثی دارد و در هر مبحثی، نهایت دقت و ظرافت را به خرج داده و انصافاً چیزی کم نگذاشته است.

به نظر شما نقش حاج‌آقا مصطفی چه در دوره حیات و چه پس از شهادت، در انقلاب اسلامی چه بوده است؟

شهادت حاج‌آقا مصطفی در روند انقلاب اسلامی، نقطه عطف تاریخی است که از آن پس مبارزات مردمی شکل بسیار گسترده و پیوسته‌ای پیدا کرد و نهایتاً به انقلاب منتهی شد. ایشان در دوران حیات هم در تبیین و تکوین آرا و افکار و آرمان‌های امام و تبیین مبانی انقلاب نیز نقش بی‌بدیلی داشت.

شما با مرحوم حاج احمدآقا هم رفاقت داشتید. ایشان چه ویژگی‌هایی داشت که از نظر شما برجسته بودند؟

سیداحمد آقا روح بسیار لطیفی داشت و بسیار خوش‌مشرب بود. بسیار خوش‌محضر، خوش‌اخلاق و متواضع بود و ذره‌ای تکبر در ذاتش وجود نداشت. رفتارش طوری بود که همه مردم جذبش می‌شدند. درست مثل امام همواره نگران طبقه مستضعف بود و دلش برای آنها می‌تپید. من دو صفت را در او خیلی دوست داشتم. یکی صداقت و دیگری امانت. او بار امانتی را که امام بر دوشش نهادند با کمال امانت و صداقت کشید و از همه آنها با سربلندی بیرون آمد. با این‌که فرزند رهبر انقلاب بود، زندگی‌اش بسیار ساده و معمولی بود و حتی برای لحظه‌ای خود را گم نکرد. رفیق بسیار شفیقی بود. هر بار که به قم می‌آمد، حداقل یک شب به خانه من می‌آمد. خیلی صمیمی و خودمانی بودیم. شب‌ها تا نزدیک سحر با هم گفت‌وگو می‌کردیم و خواب را از چشم بنده خدا می‌گرفتیم! او هم مثل حاج‌آقا مصطفی همه زندگی‌اش را فدای آرمان امام کرد و در حفظ سلامتی، امنیت و جان امام نقش بی‌بدیلی داشت.

ظاهراً شما در اواخر عمر، زیاد با ایشان محشور بودید. از آن روزها خاطراتی را بیان کنید؟

بعد از رحلت حضرت امام، حاج احمدآقا بسیار غمگین بود و دوری از پدر واقعاً آزارش می‌داد. همین هم باعث شد از دیگران دوری گزیند و عزلت اختیار کند. طوری حرف می‌زد و رفتار می‌کرد که انسان قریب‌الوقوع بودن رحلتش را از این دنیا احساس می‌کرد. انگار به او الهام شده بود دیگر خیلی در این دنیا نخواهد ماند. گاهی هم شوخی می‌کرد و می‌گفت: «بعدها خواهند گفت خودش مرگش را پیش‌بینی کرد!» حاج عیسی، خادم امام هم می‌گفت حاج احمدآقا چندین بار به او گفته بود حواست به علی باشد! یک بار مرحوم حاج شیخ فضل... (رفیق مشترکمان) منزل ما بود و داشت دعا می‌خواند. حاج احمدآقا گفت: «چقدر دعا می‌خوانی؟ وقتی از دنیا رفتم، بیا بالای سر قبرم و یاسین و فاتحه‌ای بخوان!» حاج احمدآقا خیلی به آشیخ فضل... علاقه داشت و بارها به او گفته بود هر وقت یاد من کردی برایم قل هوا... احد بخوان، من هم کمکت می‌کنم!

چه شد ایشان به کوشک نصرت آمد؟

اشاره کردم که یک جور حالت انقطاع از دنیا پیدا کرده بود. در کوشک نصرت من بودم و آقای شیخ‌الاسلام و دو سه نفر دیگر بودند. در آنجا نماز می‌خواندیم و دعای پستشیر و دعای مشلول. به شدت از دیدن افراد پرهیز داشت. دوست نداشت کسی بیاید. فقط یکی دو بار مادرشان آمدند. خیلی دغدغه انقلاب را داشت. می‌گفت: «بعد از قرن‌ها با همت امام و یاری مردم و تقدیم کردن شهدایی گرانقدر، انقلاب اسلامی‌ای اتفاق افتاده که در تاریخ سابقه نداشته است. جا ندارد ما خودمان را مطرح کنیم و به فکر خودمان باشیم. باید همگی خود را فدا کنیم که این انقلاب پا برجا بماند. نباید کاری کنیم یا حرفی بزنیم که انقلاب صدمه ببیند». در آن دوره فقط گاهی به تهران می‌رفت و در بعضی از مراسم شرکت می‌کرد و سریع برمی‌گشت. یادم هست موقعی که به کوشک آمد درست نمی‌توانست راه برود و دو نفر زیر بغلش را می‌گرفتند. یکمرتبه شروع کرد به رژیم سخت گرفتن و هر چه هم به او می‌گفتند لاغر شدن سریع خطرناک است، گوش نمی‌داد! قبلاً دو تا پله را نمی‌توانست بالا برود، ولی بعد از دو ماه می‌توانست بدود، طوری که من به او نمی‌رسیدم. نمی‌دانم چه شد آن اتفاق افتاد!

نقش ایشان را پس از رحلت امام چگونه تحلیل می‌کنید؟

وقتی امام از دنیا رفتند، خیلی‌ها می‌گفتند باید فاتحه انقلاب را خواند، چون اختلافات و بحران‌های سیاسی شروع می‌شوند، اما احمدآقا با حمایت بی‌چون و چرا از رهبر انقلاب، در واقع جلوی بروز بسیاری از بحران‌ها را گرفت و صراحتاً اعلام کرد پیرو خط رهبری است و با هر کسی که خلاف ایشان عمل کند، مقابله خواهد کرد! این حرف احمدآقا تکلیف خیلی‌ها را معلوم کرد. برای او هیچ چیزی مقدس‌تر از بقای نظام نبود و حتی اگر نظر مخالف سیاسی هم داشت، به تندی بیان نمی‌کرد تا موجب تضعیف نظام نشود.

از آخرین روزهای حیات ایشان بگویید.

یادم هست خیلی خسته بود و می‌خواست با همان قدرت و امکاناتی که در اختیار دارد، خود را نجات بدهد. دائماً به فکر عالم باقی بود و می‌خواست اوج بگیرد. بار آخری که او را دیدم بعد از افتتاح سد پانزده خرداد بود که دو سه ساعتی در خانه ما بود و رفت و دیگر او را ندیدم. رفتنش برایم بسیار سنگین بود و در آن دوره احساس می‌کردم زمین و آسمان بر این مصیبت می‌گریند. فقدانش برای انقلاب جبران‌ناشدنی بود.

فرزند خلف، امید آینده اسلام



حضرت امام در هنگام شهادت حاج‌آقا مصطفی با عبارت «مصطفی امید آینده اسلام بود» از وی یاد کردند. شاید خاطرات و اشارات آیت‌ا... سجادی تا اندازه‌ای مفهوم این عبارت را شرح و بسط داده باشد اما او به طور مشخص درباره این توصیف امام معتقد است: حاج‌آقا مصطفی در عمر کوتاهش به‌رغم جایگاه بلند علمی و فرزند بزرگ امام بودن، زندگی طلبگی فوق‌العاده ساده و بی‌آلایشی داشت و بیش از هر کسی به پدرش شباهت داشت. امام برای تربیت او بسیار زحمت کشیده بودند و از دقت علمی، تأمل و تعمق وی بسیار لذت می‌بردند. امام می‌دیدند زحماتشان در مورد حاج‌آقا مصطفی جواب داده است. حاج‌آقا مصطفی بیان بسیار رسا، شیوا و شیرینی داشت و بسیار خوب هم می‌نوشت. نه‌تنها امام که حوزه‌های علمیه، امید زیادی به او داشتند. با مطالعه تفسیر حاج‌آقا مصطفی دقت، لطافت و عمق فکری او کاملاً قابل درک است. حاج‌آقا مصطفی تمام کتاب‌های معمول در ادبیات حوزه‌ها را خوانده و مباحثه کرده بود و کتاب‌های ادبی را هم با دقت مطالعه و بحث می‌کرد. او هر روز صبح برای اقامه نماز به مسجد می‌رفت و روی خواندن نماز به جماعت مقید بود. حدود ساعت ۱۰ در درس امام حاضر می‌شد. گاهی شب‌های جمعه، نماز را به امامت مرحوم بحرالعلوم در مسجد طوسی می‌خواند. یادم هست در مسجد طوسی یک شیخ افغانستانی بود که به او گفته بودند روضه نخواند، ولی حاج‌آقا مصطفی به او پول می‌داد و می‌گفت: بخوان، کاری به حرف دیگران نداشته باش!

آگهی تغییرات شرکت آب و فاضلاب روستائی استان هرمزگان شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۳۳۸۶ و شناسه ملی ۱۰۸۰۰۰۶۱۹۵۹ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی مورخ ۱۳۹۷/۰۶/۱۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: - تراز نامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۹۶ مورد تصویب قرار گرفت. - سازمان حسابرسی به شماره ملی ۱۰۱۰۱۱۳۶۳۳۲ به عنوان بازرس اصلی برای یکسال مالی انتخاب گردیدند. - روزنامه اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید.
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان هرمزگان اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری بندرعباس (۶۳۹۸۷۳)

سازمان صنایع دریایی
گروه صنایع شهید قربانی ـ مجتمع تحقیقاتی و صنعتی
گروه صنایع شهید قربانی (پردیس اصفهان)
آگهی مناقصه عمومی (دو مرحله‌ای)

شماره مناقصه	موضوع مناقصه	مبلغ سپرده شرکت در مناقصه
۳-۶/م/۶۸۲۱/۷۳	خرید ۱۰/۰۰۰ عدد مگنت ساماریوم کبالت ۲:۱۷ سایز ۲۵ و ۱/۰۰۰ عدد مگنت ساماریوم کبالت ۲:۱۷ سایز ۱۵ و ۲/۲۰۰ عدد مگنت ساماریوم کبالت ۲:۱۷ سایز ۲۰	۳۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

● شرایط اختصاصی: کلیه متقاضیان می‌بایست: ۱- دارای جایگاه حقوقی بوده و تایید صلاحیت از سوی اصناف مربوطه و اداره کار و امور اجتماعی را داشته باشند. ۲- دارای توانایی مالی و فنی باشند. ۳- دارا بودن سابقه اجرایی مرتبط با موضوع مناقصه ۴- دارا بودن حسن سابقه
● محل و مهلت فروش و نحوه دریافت اسناد: از تاریخ (۱۳۹۸/۰۸/۰۱) تا تاریخ (۱۳۹۸/۰۸/۱۴) غیر از ایام تعطیل رسمی از ساعت ۷ صبح تا ۱۶ عصر (پنجشنبه ۸ صبح تا ۱۲ ظهر) از طریق مراجعه حضوری به واحد بازرگانی مجتمع تحقیقاتی و صنعتی گروه صنایع شهید قربانی (پردیس اصفهان) تلفن ۴۵۲۲۲۰۱۰ (داخلی ۸۸۲) و فکس: ۴۵۲۳۰۷۰۱ ➢ ۰۹۱۳۷۵۳۷۴۴۳
● مهلت عودت و تحویل پیشنهادات: از زمان دریافت اسناد تا تاریخ ۱۳۹۸/۰۸/۱۴ ساعت ۱۶
● مبلغ فروش اسناد مناقصه: مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ ریال واریز به حساب جاری ۹۸۷۸۰۰۳۶۵۶۰۴ بانک سپه شعبه مرکزی شاهین‌شهر
● تاریخ بازگشایی پاکت‌ها: بازگشایی اسناد در تاریخ ۹۸/۰۸/۱۸ در محل مناقصه‌گزار می‌باشد. اعلام نتایج به مناقصه‌گران در تاریخ ۹۸/۰۸/۱۹ انجام خواهد شد.
➢ مناقصه‌گزار اختیار رد هر یک یا تمام پیشنهادهای مناقصه‌گران را برای خود محفوظ می‌داند.
➢ پرداخت هزینه آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.
➢ سایر اطلاعات و مشخصات مناقصه در اسناد مناقصه ذکر شده است.